



The Mediating Role of Self-Differentiation and Cognitive Emotion Regulation in the Relationship between the Quality of Object Relationships and Pattern of Close Relationship Experience in Couples

Hossein Bashi Abdolabadi ¹, Qasem Ahi ², Maryam Asle Zaker ³, Fateme Shahabi Zadeh ⁴, Maryam Nasri ⁵

1. PhD Student, Department of Psychology, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

2. (Corresponding author)* Assistant Professor, Department of Psychology, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Clinical Psychology, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

4. Associate Professor, Department of Psychology, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

5. Assistant Professor, Department of Psychology, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

Abstract

Aim and Background: The need to establish intimacy and close relationships with others is considered as a basic and important human motivation. The present study aimed to investigate the role of the quality of object relationships on close relationship experience mediated by the self-differentiation and cognitive emotion regulation.

Methods and Materials: The study was a descriptive-correlational one conducted using Structural Equation Modeling. The population included all people who were married for at least two years and visited psychological and counseling clinics in Mashhad, Iran, from 2020 to 21 due to suffering from matrimonial conflicts. The participants were selected using the convenience sampling technique. Then, 300 questionnaires were distributed among the participants, and 260 questionnaires were gathered. The instruments for data collection included Bell's Object Relations and Reality Testing Inventory, the cognitive emotion regulation questionnaire, the questionnaire concerning the self-differentiation, and close relationship experience questionnaire. The data were analyzed using Pearson's correlation coefficient and the structural equation modeling.

Findings: The findings showed that the quality of object relationships predicted the rates of close relationship experience ($P < 0/05$). Moreover, the findings showed that the differential of self and negative cognitive emotion regulation played mediatory roles ($P < 0/05$).

Conclusions: Accordingly, both in premarital counseling and in couple therapy sessions, it is vital to determine variables based on psychoanalytic concepts like the quality of object relationships and self-differentiation and adjust interventions based on these concepts.

Keywords: Cognitive emotion regulation, Self-differentiation, Pattern of close relationship experience, Quality of object relationship.

Citation: Bashi Abdolabadi H, Ahi Q, Asle Zaker M, Shahabi Zadeh F, Nasri M. **The Mediating Role of Self-Differentiation and Cognitive Emotion Regulation in the Relationship between the Quality of Object Relationships and Pattern of Close Relationship Experience in Couples.** Res Behav Sci 2022; 20(2): 267-279.

* Qasem Ahi,
Email: ahigh1356@yahoo.com

نقش میانجی خود تمایز یافتگی و تنظیم شناختی هیجان در ارتباط کیفیت روابط ابرمبا الگوی تجربه روابط نزدیک در زوجین

حسین باشی عبدال آبادی^۱، قاسم آهی^۲، مریم اصل ذاکر^۳، فاطمه شهبابی زاده^۴، مریم نصری^۵

۱- دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

۲- (نویسنده مسئول) * استادیار، گروه روانشناسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

۳- استادیار، گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۴- دانشیار، گروه روانشناسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

۵- استادیار، گروه روانشناسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: نیاز به برقراری پیوند و صمیمیت و تشکیل روابط نزدیک با دیگران به عنوان انگیزه اساسی و مهم بشر قلمداد شده است. طبق نظریه روابط ابرمه، رابطه زوج ها با هم باورها و تعارضات خانواده، توسط فرزندان درونی سازی می شود و زمانی که فرزندان به سن بزرگسالی می رسند و روابط صمیمانه جدی برقرار می کنند، دوباره این ابرمه های درونی شده، تجربه و برون فکنی می شوند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش کیفیت روابط ابرمه در الگوی تجربه روابط نزدیک در زوجین با میانجی گری نقش خود تمایز یافتگی و تنظیم شناختی هیجان انجام شد.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی با رویکرد مدل یابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش کلیه افراد متأهل دارای تعارضات زناشویی مراجعه کننده به کلینیک های روانشناسی و مشاوره شهر مشهد در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ بودند که حداقل ۲ سال ازدواجشان گذشته باشد. برای انتخاب نمونه از روش نمونه گیری در دسترس استفاده شد. از مجموع ۳۰۰ پرسشنامه توزیع شده ۲۶۰ پرسشنامه واجد ملاک های لازم جهت تجزیه و تحلیل تشخیص داده شد. ابزار گردآوری داده ها شامل پرسشنامه های تجربه روابط نزدیک، روابط ابرمه بل، تنظیم شناختی هیجان و تمایز یافتگی خود بود. داده ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و مدل یابی معادلات ساختاری تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج نشان داد که کیفیت روابط ابرمه پیش بینی کننده میزان تجربه روابط نزدیک در زوجین است ($p < 0.05$). همچنین خود تمایز یافتگی و تنظیم شناختی منفی هیجان نقش میانجی را دارد ($p < 0.05$).

نتیجه گیری: بنابراین چه در مشاوره های پیش ازدواج و چه در جلسات زوج درمانی اهمیت سنجش متغیرهای مبتنی بر مفاهیم روانکاوی همچون کیفیت روابط ابرمه و خود تمایز یافتگی و تنظیم مداخلات بر مبنای این مفاهیم با توجه به اینکه میزان دخالت خانواده و وابستگی به خانواده همواره به عنوان یکی از مهم ترین علل طلاق مطرح بوده، اهمیت فراوانی دارد.

واژه های کلیدی: الگوی تجربه روابط نزدیک، تنظیم شناختی هیجان، خود تمایز یافتگی، کیفیت روابط ابرمه.

ارجاع: راضیه رجائی، حمید طاهر نشاط دوست، حسن آقائی خواجه لنگی. اثربخشی درمان مبتنی بر شفقت بر تعارضات زناشویی زنان متقاضی طلاق

مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان. مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۴۰۱؛ ۲۰(۲): ۲۶۷-۲۷۹.

* قاسم آهی،

رایان نامه: ahigh1356@yahoo.com

مقدمه

نیاز به برقراری پیوند و صمیمیت و تشکیل روابط نزدیک با دیگران به‌عنوان انگیزه اساسی و مهم بشر قلمداد شده است. توانایی پروراندن صمیمیت یک عامل بین شخصی است که اهمیت آن اغلب به خاطر نقش اساسی‌اش در رشد روابط نزدیک و رابطه‌اش با رضایت زناشویی است. منظور از صمیمیت و نزدیکی در این پژوهش متغیر تجربه روابط نزدیک است که یکی از زیر مقیاس‌های آن میزان صمیمیت در روابط ذکر شده است (۱). صمیمیت، مفهومی پویا در ارتباطات انسانی و به‌ویژه در روابط زناشویی است (۲) که مستلزم شناخت و درک عمیق از یکدیگر است (۳). صمیمیت فرآیندی رشدی است که از قبل ازدواج آغاز شده و تا بعد از آن ادامه می‌یابد. صمیمیت رابطه‌ای است که در آن مراقبت، اعتماد متقابل و پذیرش وجود دارد (۴). محققین در پژوهشی دریافتند که صمیمیت در روابط نقش اصلی را ایفا می‌کند. صمیمی بودن شامل گذراندن وقت در کنار هم گوش دادن به یکدیگر، باز بودن، صادق بودن و اعتماد به یکدیگر می‌باشد (۵). نتایج پژوهش‌ها حاکی از این است که زندگی مشترک، سازگاری و ایجاد صمیمیت با یکدیگر، تأثیر قابل توجهی در سلامت زوجین داشته است (۶).

مطالعات مختلفی نشان داده‌اند عوامل متعددی مانند؛ سبک‌های دلبستگی (۷)، میزان تمایزیافتگی خود (۸)، ذهن آگاهی، الگوهای حل تعارض، حمایت اجتماعی ادراک‌شده و بهزیستی اجتماعی (۹) مواجهه با خشونت خانوادگی، به‌ویژه در دوران کودکی (۱۰) بر صمیمیت زناشویی تأثیر داشته است. همچنین، پژوهش‌ها بیانگر رابطه سلامت خانواده اصلی با صمیمیت و استقلال ادراک‌شده در زنان (۱۱) و روابط رضایت‌بخش زناشویی (۱۲) بوده است. به‌طور کلی می‌توان گفت رشد صمیمیت نیاز به سازماندهی مجدد دنیای بازنمایی شده‌ای دارد که اساساً در دوران کودکی تشکیل شده است (۱۳). بنابراین، خانواده به‌عنوان منبع حمایت عاطفی، اجتماعی و اقتصادی سهم بسزایی در سلامت روانی اعضای آن دارد (۱۴). بر همین اساس کیفیت روابط اُبژه به‌عنوان اولین رابطه هر فردی با دنیای بیرون بر کیفیت روابط بعدی قابل بررسی است. نظریه پردازان روابط اُبژه معتقدند که ذهن کودک به واسطه تجارب اولیه با مراقبان شکل می‌گیرد و با رشد و تحول پیچیده تر می‌شود؛ بنابراین، این الگوها در سراسر زندگی نسبتاً ثابت باقی می‌ماند و آسیب‌شناسی بر اساس این الگوهای روابط اُبژه درونی شده تبیین می‌شود (۱۵). لذا افراد بر اساس تجربیات خود

با مراقبان اولیه، مدل‌های کارآمد درونی خود را شکل داده و این مدل‌ها بر نوع احساس، افکار، رفتار و حتی تغییر رفتارها و نگرش‌ها در ازدواج و روابط مهم بعدی تأثیرگذار است (۱۶). طبق نظریه روابط اُبژه، رابطه زوج‌ها با هم باورها و تعارضات خانواده، توسط فرزندان درونی سازی می‌شود و زمانی که فرزندان به سن بزرگسالی می‌رسند و روابط صمیمانه جدی برقرار می‌کنند، دوباره این اُبژه‌های درونی شده، تجربه و برون‌فکنی می‌شوند (۱۷). از دیدگاه زوج درمانگران روابط اُبژه، صمیمیت از طریق فرآیندی پویا رشد می‌کند که در آن یکی از طرفین احساسات، افکار و اطلاعات شخصی خود را بیان می‌کند و پاسخی از طرف مقابل دریافت می‌کند که احساس درک شدگی، اعتبار بخشی و مراقبت را تجربه می‌کند و با درونی سازی تجارب حاصل از این تعاملات، فرد بازنمایی‌های کلی را در درون خود شکل می‌دهد که میزان صمیمیت و معنادار بودن رابطه را منعکس می‌کند (۱۸). زوج‌ها در روابط رمانتیک، اُبژه‌های سرکوب شده درونی خود را بر روی یکدیگر فراقنی می‌کنند و همسر خود را وادار به پذیرش این نقش از طریق فرآیند همانندسازی فراقنانه می‌کنند (۱۹). به‌علاوه، مطالعات نشان داده‌اند صمیمیت زناشویی به حسی قوی از خودشناسی و خود تمایزسازی نیاز دارد (۲۰)؛ بنابراین، کیفیت روابط اُبژه می‌تواند بر میزان صمیمیت و تجربه روابط نزدیک زوجین اثرگذار باشد که این امر لزوم پژوهش‌های بیشتر در این حوزه و توجه به نقش میانجی‌هایی مانند خود تمایزسازی را در این رابطه برجسته تر می‌سازد.

در بافت عوامل خانوادگی، نقش جدایی روان‌شناختی نیز بسیار قابل توجه است. یکی از بنیادی‌ترین الگوهای تبیینی، مفهوم جدایی-تفرد است که ریشه در مفهوم دلبستگی دارد که در طی سه سال نخست زندگی به وقوع می‌پیوندد (۲۱). خود تمایزیافتگی که توانایی فرد برای تفکیک خود از دیگران در سطح شناختی و هیجانی است، از ظرفیت خود برای کنش اجتماعی حاصل می‌شود (۲۲) و ظرفیت تفکر را طوری فراهم می‌آورد که فرد به صورت خودکار به فشارهای هیجانی درونی یا بیرونی پاسخ ندهد (۲۳). میزان تمایزیافتگی نشان می‌دهد فرد تا چه میزان، توانایی مجزا ساختن فکر از احساس را داراست و تا چه میزان به ایستادگی در برابر احساسات آنی قادر است. به بیان دیگر، فرد تا چه میزان توانایی دارد از بروز رفتارهایی دوری کند که به‌طور خودکار ناشی از هیجان‌اند (۲۴). شواهد تجربی به‌طور گسترده از تأثیر سطح تمایز خود بر ابعاد

عاطفی و اجتماعی خانواده ها و متعاقب آن در جامعه کاهش یابد (۳۵). ادبیات پژوهشی به صورت مجزا حاکی از وجود ارتباط بین کیفیت روابط أبژه (۱)، میزان تمایزیافتگی خود (۲۰) و تنظیم هیجانی (۳۶) با میزان صمیمیت زناشویی بود. با این حال علی‌رغم رابطه خوب مستند شده ای که بین بعضی از سازه های روان‌شناختی با میزان صمیمیت زناشویی وجود دارد به اهمیت نقش تأثیرگذار رابطه فرد با مراقبین اولیه در میزان صمیمیت و تجربه روابط نزدیک در روابط بعدی فرد به اندازه کافی پرداخته نشده است. همچنین، متغیرهایی که احتمال می رود در این رابطه نقش واسطه ای ایفا کنند ناشناخته باقی مانده‌اند. در نتیجه، لزوم شناسایی مکانیزم‌های میانجی گر مهمی مانند تنظیم هیجان و خود تمایزیافتگی در رابطه بین کیفیت روابط أبژه و صمیمیت زناشویی اهمیت پیدا می‌کند؛ بنابراین، با توجه به ادبیات پژوهش در حوزه مطالعات روابط زوجین، مطالعه حاضر به بررسی این سؤال پرداخته است که آیا خود تمایزیافتگی و تنظیم شناختی هیجان در ارتباط کیفیت روابط أبژه با الگوی تجربه روابط نزدیک نقش میانجی ایفا می‌کند؟

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی با رویکرد مدل یابی معادلات ساختاری است و جامعه آماری آن را کلیه افراد متأهل دارای تعارضات زناشویی مراجعه‌کننده به کلینیک های روانشناسی و مشاوره شهر مشهد که حداقل ۲ سال ازدواجشان گذشته باشد، تشکیل داد. این پژوهش دارای کد مصوبه اخلاق IR.BUMS.REC.1399.199 از کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه علوم پزشکی بیرجند است. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. طبق نظر کلاین (۳۷)، تعداد نمونه مناسب برای تحلیل مسیر و مدل سازی به ازای هر پارامتر ۱۰ تا ۲۰ شرکت‌کننده می‌باشد. مطابق با اظهارات جیمز استیونس (۳۸) در نظر گرفتن ۱۵ مورد برای هر متغیر پیش بین در تحلیل رگرسیون چندگانه مناسب است. با در نظر گرفتن دیدگاه و با توجه به اینکه در مطالعه حاضر ۱۳ پارامتر وجود داشته، حجم نمونه مورد نیاز ۲۶۰ نفر بود که با در نظر گرفتن احتمال ریزش و نیز بالا بردن دقت پژوهش ۳۰۰ مورد نمونه‌گیری شد. ملاک‌های شرکت در پژوهش علاوه بر کسب رضایت داوطلب، دارا بودن حداقل سواد خواندن و نوشتن، متأهل بودن وی در زمان تکمیل پرسشنامه (ازدواج رسمی) و دامنه سنی بین ۲۰ تا ۶۰ سال از هر دو جنس زن و مرد و پذیرش

سلامت روان و نشانگان اختلالات روانی سخن به میان آورده اند و تمایزیافتگی خود را عامل مهمی در ارتقای سلامت روان دانسته‌اند (۲۵). در مطالعه وزیری و نامقی (۲۶) نشان داده شد مؤلفه‌های دشواری در تنظیم هیجانی و تمایزیافتگی خود از پیش‌بینی‌کننده‌های تعارضات زناشویی بودند.

مطالعات نشان داده‌اند اکثر مشکلات روان‌شناختی به‌واسطه یک آشفتگی هیجانی مشخص می‌شوند و این آشفتگی‌ها به‌طور زیربنایی با کارکرد معیوب در تنظیم هیجانی مرتبط می‌گردد (۲۷). مطابق با یافته‌های پژوهشی، رضایت و سازگاری زناشویی ارتباط تنگاتنگی با مدیریت هیجان زوجین دارند (۲۸)؛ بنابراین، توجه به نقش هیجان‌ها در رابطه بین کیفیت روابط أبژه و صمیمیت زناشویی ضروری به نظر می‌رسد. هیجان‌ها یکی از جنبه‌های رفتار انسان است که نقش مهمی در زندگی ایفا می‌کنند (۲۹). تنظیم هیجان، تنظیم عزت نفس، استفاده از فانتزی و دفاع‌ها و نیز الگوی رابطه خوب را مربوط به کیفیت روابط أبژه می‌دانند. تولنایی اثرگذاری بر ابراز هیجان که تنظیم شناختی هیجان نامیده می‌شود، فرایندی درونی و برونی است که مسئولیت کنترل، ارزیابی و تغییر واکنش‌های عاطفی فرد را در مسیر تحقق یافتن هدف‌ها بر عهده دارد (۳۰). تنظیم شناختی هیجان به شیوه شناختی مدیریت و دست‌کاری ورود داده‌های فراخواننده هیجان اشاره دارد (۳۱). شواهد زیادی نشان داده‌اند که تنظیم شناختی هیجانی با موفقیت یا عدم موفقیت در حوزه‌های گوناگون زندگی مرتبط است (۳۲) همان‌گونه که در پژوهش‌های پیشین نشان داده شد، تنظیم شناختی هیجان یکی از مهمترین عوامل برای سلامت جسمی و روان‌شناختی به‌ویژه در روابط زناشویی است (۳۳). یافته‌های پژوهشی نشان داده‌اند که بین دشواری تنظیم هیجان با سازگاری، صمیمیت و مهارت‌های هیجانی رابطه وجود داشته است و مهارت‌های هیجانی به‌طور پایداری در روابط میان همسران و سازگاری زناشویی مؤثر بوده است؛ بنابراین اگر فرد در تنظیم هیجان مشکلاتی داشته باشد و به‌خوبی نتواند هیجان‌ات خود را مدیریت کند، در روابط دچار آشفتگی‌هایی می‌گردد (۳۴).

با توجه به اهمیت خانواده و نقش آن در سلامت جامعه و لزوم بررسی روابط اعضای آن به‌ویژه همسران در یک چارچوب نظری متناسب و همچنین آسیب‌های کوتاه مدت و طولانی که بر روابط بین همسران دارد لازم است که عوامل مهم و تأثیرگذار در صمیمیت زناشویی در بین زوجین مورد بررسی قرار گیرد تا با افزایش سطح صمیمیت زناشویی بسیاری از مشکلات روانی،

(۴۵)، برای تعیین پایایی پرسشنامه تنظیم هیجان از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای کل پرسشنامه برابر ۰/۸۴ به دست آمده است.

پرسشنامه تمایزیافتگی خود (DSI): پرسشنامه تمایزیافتگی خود ۴۳ آیتمی توسط اسکورون و فریدلندر (۴۶) ساخته شده است. اسکورون و فریدلندر همسانی درونی نمره کل و خرده مقیاس‌های این پرسشنامه را برای واکنش‌پذیری عاطفی و ۰/۸۴، هم‌آمیختگی با دیگران ۰/۷۴، جایگاه من ۰/۸۳، گریز عاطفی ۰/۸۲، نمره کل مقیاس ۰/۸۸ گزارش کردند. در مطالعه نجف لویی (۴۷) آلفای کرونباخ برای واکنش‌پذیری عاطفی ۰/۸۱، هم‌آمیختگی با دیگران ۰/۷۹، جایگاه من ۰/۶۴، گریز عاطفی ۰/۷۶ و نمره کل مقیاس ۰/۷۲ گزارش شد. در مطالعه صالحی و مرادی (۴۸) پایایی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به دست آمد.

فرم بازیابی شده پرسشنامه تجربه روابط نزدیک

(ECR-R): پرسشنامه تجربه در روابط نزدیک یک ابزار ۳۶ گزاره‌ای خودسنجی است که شامل دو خرده مقیاس هم‌نوا با نظریه دلبستگی می‌باشد. این پرسشنامه در سال ۱۹۹۸ توسط برنان، کلارک و شیور (۴۹) طراحی شده است. در مطالعه برنان و همکاران و پژوهش صیدی و همکاران (۵۰) آلفای کرونباخ مقیاس اجتنابی ۰/۸۹٪ و ۰/۹۴٪ و برای مقیاس اضطرابی ۰/۹۱٪ و ۸۵٪ گزارش شد. همچنین در مطالعه گودباتو همکاران و آونسو آریبلو و همکاران ساختار عاملی پرسشنامه (روایی) مورد تأیید قرار گرفت (۵۱).

یافته‌ها

در این بخش نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها مطرح می‌شود. در جدول یک ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

با توجه به این که مقدار کجی و کشیدگی متغیرها در دامنه -۲ تا +۲ بود مفروضه نرمال بودن توزیع تک متغیرها تأیید شد و در نتیجه آزمون پارامتریک همبستگی پیرسون استفاده شد. بر اساس اطلاعات جدول ۱ مقایسه ضرایب همبستگی نشان می‌دهد که تجربه روابط نزدیک قوی‌ترین همبستگی را با خود تمایزیافتگی با ضریب ۰/۶۵ و کیفیت روابط اُبژه با ضریب ۰/۶۱ دارد ($p < 0.01$). به علاوه کمترین همبستگی مشاهده شده بین تجربه روابط نزدیک و تنظیم شناختی منفی مشاهده شد.

شرایط پژوهش آنلاین بود. معیارهای خروج از مطالعه نیز شامل عدم تمایل به شرکت در مطالعه، نقص در تکمیل پرسشنامه‌ها و سوء مصرف مواد بود. با توجه به شرایط دوران کرونا و برگزاری جلسات مشاوره و درمان به صورت آنلاین برای انجام اهداف این پژوهش پس از آنکه لیستی از کلینیک‌های روانشناسی و مراجعین آن‌ها تهیه شد، پرسشنامه‌های پژوهش به صورت آنلاین برای شرکت کنندگان به همراه توضیحات لازم جهت تکمیل آن‌ها ارسال شد. ملاحظات اخلاقی شامل رضایت آگاهانه شرکت کنندگان، رعایت اصل رازداری و محرمانه ماندن اطلاعات و عدم هرگونه آسیب به آن‌ها بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی صورت گرفت. از شاخص‌های میانگین انحراف معیار برای تفسیر سطح توصیفی داده‌ها و از مدل‌یابی معادلات ساختاری در سطح استنباطی استفاده شد. داده‌ها به کمک نرم‌افزار آماری SPSS 26 و Smart PLS تحلیل شد. برای گردآوری داده‌ها از ۵ پرسشنامه استفاده شد.

پرسشنامه روابط اُبژه بل (BORRT):

پرسشنامه روابط اُبژه و واقعیت آزمایی را در سال ۱۹۹۵ طراحی نمود. در این پرسشنامه ۴۵ سؤال به سنجش روابط اُبژه و ۴۵ سؤال به واقعیت آزمایی یا کارکردهای ایگو می‌پردازند که در مجموع ۹۰ سؤال را شامل می‌شود. در این پژوهش از ۴۵ سؤال مربوط به روابط اُبژه استفاده شد. بل و همکاران (۴۰) ضرایب پایایی باز آزمایی را برای ۴ و ۱۳ هفته در دامنه‌ای از ۰/۵۸ تا ۰/۹۰ و همبستگی این ابزار را با پرسشنامه چندمحوری بالینی میلیون - ۲ به عنوان شاخصی از روایی آن گزارش کردند. در پژوهش نیک‌فلاح و گلشنی (۴۱) ضرایب آلفای کرونباخ برای ۴ خرده مقیاس بیگانگی، دلبستگی نالین، خود میان‌بینی و بی‌کفایتی به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۵، ۰/۷۳ و ۰/۷۰ به دست آمد.

پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان (CERQ):

پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان که توسط گرانفسکی همکاران (۴۲) تدوین شده است. در خارج کشور برای بررسی همسانی درونی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده که ضریب آلفای کرونباخ برای کل سؤالات ۰/۹۵ و برای خرده مقیاس‌ها بین ۰/۸۴ تا ۰/۹۳ به دست آمده است (۴۳). نسخه فارسی پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان در ایران توسط بشارت (۴۴) هنجاریابی شد. در این مطالعه ویژگی‌های روان‌سنجی این فرم، شامل همسانی درونی، اعتبار باز آزمایی، روایی محتوایی، روایی همگرا و تشخیصی مطلوب گزارش شد. در مطالعه منیرپور و همکاران

پیش‌بینی «تجربه روابط نزدیک بر پایه کیفیت روابط اُبژه با نقش میانجی مؤلفه‌های تنظیم شناختی هیجان و خود تمایز یافتگی» الگوی مفهومی پیشنهاد شده از طریق روش مدل‌یابی معادلات ساختاری بررسی شد.

این همبستگی منفی و معنی‌دار است ($p < 0.05$). همچنین، داده‌های جدول ۲ نشان داد بین کیفیت روابط اُبژه و تنظیم شناختی مثبت همبستگی وجود ندارد ($p > 0.05$). به‌منظور

جدول ۱. ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

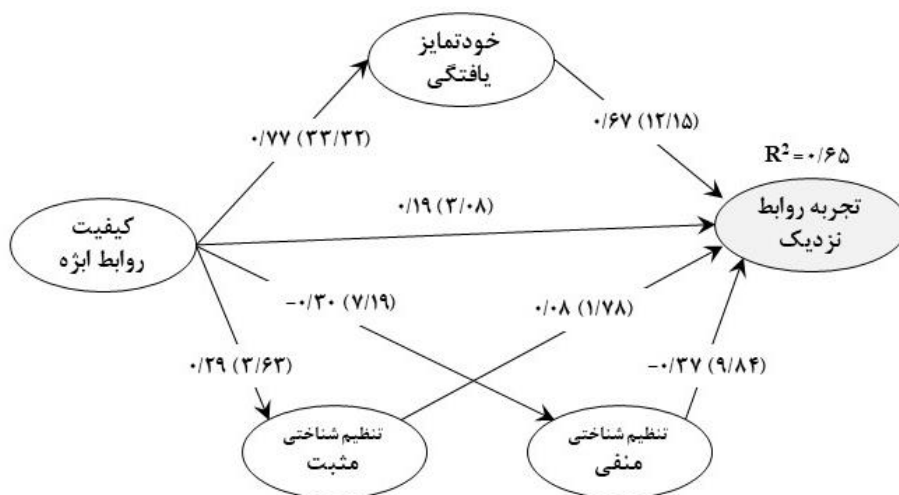
متغیرها	کیفیت روابط اُبژه	خود تمایز یافتگی	تنظیم شناختی	تنظیم	تجربه روابط
کیفیت روابط اُبژه	۱				
خود تمایز یافتگی	۰/۶۴ **	۱			
تنظیم شناختی منفی	-۰/۳۰ **	-۰/۲۴ **	۱		
تنظیم شناختی مثبت	۰/۲۸ **	۰/۰۱	-۰/۵۸ **	۱	
تجربه روابط نزدیک	۰/۶۱ **	۰/۶۵ **	-۰/۱۹ *	۰/۰۶	۱

توجه: * = $p \leq 0.05$ و ** = $p \leq 0.01$

ضرایب مدل تجربی اولیه و شکل ۱ مدل اصلاحی تجربی پژوهش است که در مدل مقادیر ضرایب استاندارد و مقدار t (داخل پرانتز) ارائه شده است.

آزمون مدل پژوهش

مدل مفهومی پژوهش با استفاده از تکنیک تحلیل مسیر به روش حداقل مجذورات جزئی (PLS) آزمون شد. جدول ۲ آزمون



شکل ۱. مدل تجربی اولیه در حالت ضرایب مسیر استاندارد (و مقدار t)

شناختی منفی به‌طور مستقیم، منفی و معنی‌دار تجربه روابط نزدیک ($\beta = -0.37$) را تحت تأثیر قرار می‌دهد، درحالی‌که اثر مستقیم خود تمایز یافتگی بر تجربه روابط نزدیک ($\beta = 0.67$) مثبت و معنی‌دار است. همچنین اثر مستقیم تنظیم شناختی مثبت بر تجربه روابط نزدیک ($\beta = 0.08$) غیر معنی‌دار است.

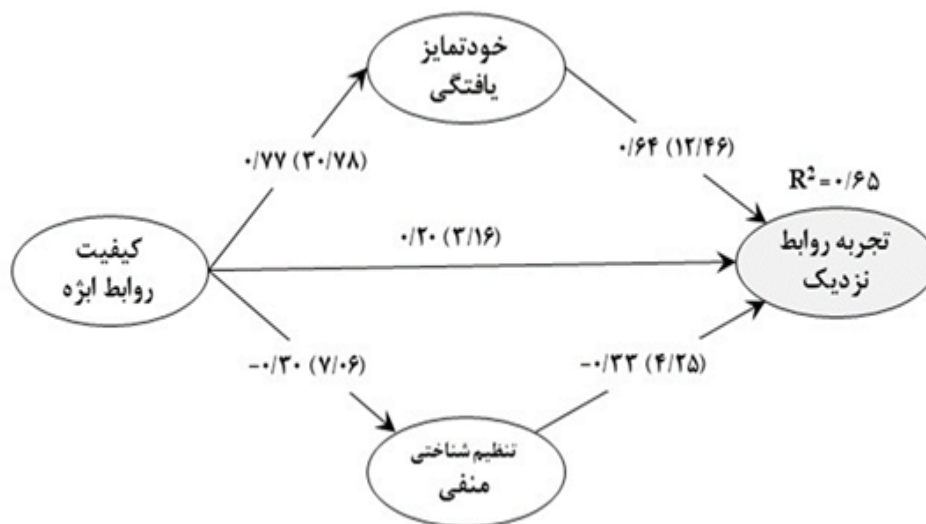
طبق داده‌های شکل ۱ و جدول ۲ اثر مستقیم کیفیت روابط اُبژه بر تنظیم شناختی مثبت ($\beta = 0.29$) مثبت و معنی‌دار، بر تنظیم شناختی منفی ($\beta = -0.30$) منفی و معنی‌دار، بر خود تمایز یافتگی ($\beta = 0.77$) مثبت و معنی‌دار و بر تجربه روابط نزدیک ($\beta = 0.19$) مثبت و معنی‌دار است. به‌علاوه تنظیم

جدول ۲. آزمون ضرایب مدل تجربی اولیه: بررسی معنی داری و شدت روابط

تأثیرها	ضریب تأثیر	انحراف استاندارد	مقدار t	مقدار p	نتیجه
تأثیر کیفیت روابط اُبژه بر خود تمایز یافتگی	۰/۷۷	۰/۰۲۳	۳۳/۳۲	< ۰/۰۰۱	تأیید
تأثیر کیفیت روابط اُبژه بر تنظیم شناختی منفی	-۰/۳۰	۰/۰۲۶	۷/۱۹	< ۰/۰۰۱	تأیید
تأثیر کیفیت روابط اُبژه بر تنظیم شناختی مثبت	۰/۲۹	۰/۰۵۱	۳/۶۳	< ۰/۰۰۱	تأیید
تأثیر کیفیت روابط اُبژه بر تجربه روابط نزدیک	۰/۱۹	۰/۰۱۸	۳/۰۸	< ۰/۰۰۳	تأیید
تأثیر خود تمایز یافتگی بر تجربه روابط نزدیک	۰/۶۷	۰/۰۸۵	۱۲/۱۵	< ۰/۰۰۱	تأیید
تأثیر تنظیم شناختی منفی بر تجربه روابط نزدیک	-۰/۳۷	۰/۰۶۲	۹/۸۴	< ۰/۰۰۱	تأیید
تأثیر تنظیم شناختی مثبت بر تجربه روابط نزدیک	۰/۰۸	۰/۰۲۱	۱/۷۸	۰/۰۷۵	رد

تنها رابطه غیر معنی دار در مدل مربوط به تأثیر تنظیم شناختی مثبت بر تجربه روابط نزدیک است که این رابطه تأیید نشده است ($p < ۰/۰۵$). با توجه به عدم تأثیر گذاری تنظیم شناختی مثبت بر تجربه روابط نزدیک، این رابطه در مدل نهایی حذف گردید و مدل پژوهش دوباره و این بار بدون متغیر تنظیم شناختی مثبت اجرا و آزمون شد که شکل ۲ مدل اصلاح شده پژوهش است که در آن تمامی روابط، معنی دار هستند ($p < ۰/۰۵$).

نتایج نشان داد متغیرهای مستقل و میانجی کیفیت روابط اُبژه، تنظیم شناختی منفی و خود تمایز یافتگی دارای تأثیر معنی دار بر تجربه روابط نزدیک هستند ($p < ۰/۰۵$). جهت تأثیر کیفیت روابط اُبژه و خود تمایز یافتگی بر تجربه روابط نزدیک مثبت است و جهت تأثیر تنظیم شناختی منفی بر تجربه روابط نزدیک، منفی است. قوی ترین رابطه در مدل مربوط به تأثیر کیفیت روابط اُبژه بر خود تمایز یافتگی با ضریب استاندارد ۰/۷۷ و خود تمایز یافتگی بر تجربه روابط نزدیک با ضریب ۰/۶۴ است.



شکل ۲. مدل اصلاح شده در حالت ضرایب مسیر استاندارد (و مقدار t)

تمایز یافتگی و تنظیم شناختی منفی بر تجربه روابط نزدیک اثر دارد ($p < ۰/۰۵$).

بررسی برازش مدل

در جدول ۳ شاخص های برازش مدل اولیه و اصلاح شده ارائه شده است. شاخص GOF در مدل PLS راه حل عملی

بررسی ضرایب شکل ۲ نشان می دهد که تمامی روابط در مدل اصلاح شده معنی دار است و بر این اساس کیفیت روابط اُبژه، خود تمایز یافتگی و تنظیم شناختی منفی دارای تأثیر معنی دار بر تجربه روابط نزدیک هستند و همچنین می توان گفت کیفیت روابط اُبژه به طور غیرمستقیم و با میانجی گری خود

مقادیر ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای شاخص افزونگی معرفی شده است. معیار ضروری برای سنجش مدل ساختاری، ضریب تعیین (R^2) متغیرهای مکنون درون‌زاست. چین (۱۹۸۸) مقادیر ضریب تعیین ۰/۶۷، ۰/۳۳ و ۰/۱۹ در مدل مسیر PLS را به ترتیب قابل توجه، متوسط و ضعیف توصیف می‌کند (۵۳). شاخص های برازش مدل های پژوهش در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. شاخص های برازش مدل های اولیه و اصلاح شده

نوع مدل	متغیر وابسته	شاخص ضریب تعیین R^2	شاخص اعتبار افزونگی Q^2	شاخص کلی برازش GOF
اولیه	تجربه روابط	۰/۶۵	۰/۶۳	۰/۴۲
اصلاحی	نزدیک	۰/۶۵	۰/۶۲	۰/۴۳

یافته‌های پژوهش نشان داد که خود تمایز یافتگی و تنظیم یافته‌های پژوهش نشان داد که خود تمایز یافتگی و تنظیم شناختی هیجان مثبت در ارتباط بین کیفیت روابط اُبژه با تجربه روابط نزدیک نقش میانجی دارد. این یافته با پژوهش رشیدی و همکاران (۵۴) هم‌سو است که حاکی از تأثیر خانواده اصلی و روابط اولیه با افراد مهم زندگی بر سطح تمایز یافتگی خود در فرزندان به‌طور مستقیم و تأثیر آن بر ازدواج فرزندان به‌صورت غیرمستقیم است. نتیجه‌ی پژوهش هوپر و دیپوی (۵۵) در خصوص نقش میانجی تمایز یافتگی خود در رابطه با عوامل خانوادگی و سلامت آن‌ها، هم‌راستا با این فرضیه پژوهش بررسی نقش میانجی تفرّد-جدایی بین کیفیت روابط اُبژه و تجربه رابطه نزدیک زوجین است. در ارتباط با نقش میانجی خود تمایز یافتگی یافته‌های پژوهشی نشان داد گریز عاطفی نیز تمایل به خروج از رابطه و عقب‌نشینی عاطفی را در شرایط پرتنش مثل ازدواج نشان می‌دهد. در شرایط پرتنش عاطفی مثل ازدواج، فرد تمایز نیافته نیاز به فرار، اجتناب یا نادیده گرفتن موقعیت دارد در حالی که با افزایش تمایز یافتگی، فرد تجربه‌های هیجانی را به رسمیت شناخته و قادر خواهد بود با هیجانات قوی‌تر روبه‌رو شود و با آن‌ها کنار بیاید (۵۶). پژوهش‌های متعددی گزارش می‌کنند که سطح بالای تمایز یافتگی و ابعاد آن، پیش‌بینی کننده سازگاری زناشویی (۵۷) رضایت زناشویی (۵۸)، رضایت جنسی (۵۹) و سطح پایین تعارضات زناشویی (۶۰) می‌باشد. بر اساس نتایج این

برای رفع مشکل بررسی برازش کلی مدل بوده و همانند شاخص‌های برازش در روش‌های مبتنی بر کوواریانس عمل می‌کند و از آن می‌توان برای بررسی اعتبار یا کیفیت مدل PLS به صورت کلی استفاده کرد. چنانچه شاخص کلی برازش مقدار بیشتر از ۰/۳۶ به معنای این است که مدل پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است (۵۲). جهت ارزشیابی مدل ساختاری نیز از ضریب Q^2 (Stone-Geisser criterion) استفاده می‌شود که به آن اعتبار افزونگی یا CV-Redundancy نیز می‌گویند. در مورد شدت قدرت پیش‌بینی مدل در مورد سازه‌های درون‌زا

بر طبق نتایج، ضریب تعیین برای متغیر وابسته تجربه روابط نزدیک در مدل اولیه برابر با ۰/۴۵ و در مدل اصلاح شده نیز برابر با ۰/۶۵ است که نشان می‌دهد حذف متغیر تنظیم شناختی مثبت بر قدرت تبیین مدل تقریباً بی‌تأثیر بوده است و نقش اصلی در پیش‌بینی تجربه روابط نزدیک مربوط به سایر متغیرها یعنی کیفیت روابط اُبژه، خود تمایز یافتگی و تنظیم شناختی منفی است. یافته‌ها نشان می‌دهد ضریب تعیین مدل مقدار قابل قبولی است و متغیرهای پیش‌بین در مدل توانسته اند ۶۵ درصد از تغییرات تجربه روابط نزدیک را تبیین کنند. مقدار شاخص Q^2 (CV-Redundancy) برای متغیر تجربه روابط نزدیک در هر دو مدل بالاتر از مقدار ۰/۱۵ بدست آمده است که مقدار مناسبی است و نشان می‌دهد مطابق با شاخص اعتبار افزونگی، مدل ساختاری از برازش مناسبی برخوردار است. مقدار شاخص GOF که برازش کلی مدل را می‌سنجد برای مدل اولیه برابر با مقدار ۰/۴۲ و برای مدل اصلاح شده برابر با ۰/۴۳ است که هر دو مقدار بالاتر از معیار ۰/۳۶ است و نشان می‌دهد به طور کلی هر دو مدل از برازش مناسبی برخوردار هستند و البته مدل اصلاح شده کمی برازش بهتری دارد. مطابق نتایج، برازش مدل مفهومی پژوهش تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

نقش میانجی تنظیم شناختی مثبت که شامل راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان هستند تأیید نشد.

در مجموع پژوهش‌های زیادی به نقش تنظیم هیجان در میزان صمیمیت و تجربه نزدیکی در روابط زوجین پرداخته‌اند. در پژوهشی با عنوان تغییر رضایت زناشویی بر اساس تنظیم هیجان یافته‌ها نشان داد تنظیم هیجانی نقش مهمی در افزایش صمیمیت و کیفیت زندگی زوجها دارد (۳۷). در مطالعه نالبورچیک و همکاران (۶۵) مشخص شد که افرادی که از راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان استفاده می‌کنند می‌توانند کنترل شرایط را در دست گرفته و با ارزیابی مجدد و مثبت به حل سازگارانه آن مسئله پردازند در مقابل، افرادی که در برخورد با مسائل و مشکلات از راهبردهای ناسازگارانه تنظیم هیجانی استفاده می‌کنند بیش از آنکه بر خود مسئله و شرایط و موقعیت تمرکز داشته باشند، به هیجان‌ات آن فکر می‌کنند و خود و یا دیگران را سرزنش می‌کنند. کلویینسکی (۶۶) و مارتین (۶۷) نشان دادند که تنظیم هیجان ضعیف فرد را به سمت رفتارهای تکانشی، سطحی و منفی می‌کشاند و در برخورد با مسائل روزمره زندگی زناشویی، باعث افزایش بحث‌ها و اختلافات و ناتوانی در حل مسائل می‌گردد که زوجین را از حل سازگارانه مسائل و روابط صمیمانه دور می‌کند؛ بنابراین، باعث افزایش راهبردهای غیر انطباقی مانند فاجعه‌نمایی، خود سرزنشگری شده و در نهایت این روند باعث کاهش صمیمیت و نزدیکی در زوجین می‌گردد.

موضوع قابل توجه و جالب در این پژوهش این بود که تنظیم شناختی منفی که شامل راهبردهای ناسازگار تنظیم هیجان از جمله سرزنش خود، سرزنش دیگران، نشخوار ذهنی و فاجعه‌آمیز هست تأیید شد ولی راهبردهای مثبت تنظیم هیجان که شامل تمرکز مجدد مثبت، ارزیابی مجدد مثبت، اتخاذ دیدگاه، برنامه‌ریزی و پذیرش بود تأیید نشد. آیا سؤال تأمل برانگیز می‌تواند این باشد که چرا فقط تنظیم هیجان منفی نقش میانجی را دارد؟ اگر به متغیر مستقل کیفیت روابط اُبژه نگاه کنیم متوجه خواهیم شد که راهبردهای ناسازگاری همچون سرزنش خود و دیگری نوعی از کارکردهای سوپر ایگو یا همان وجدان اخلاقی هستند. سوپر ایگو به شدت تحت تأثیر روابط اولیه با مراقبین رشد و تکامل می‌یابد. سوپر ایگو شامل دو بخش ایده‌آل ایگو و ایگو ایده‌آل هست. این دو بخش مهم سوپر ایگو نقش ویژه‌ای در شکل‌گیری دو مفهوم اساسی احساس گناه و احساس شرم دارند که این دو خود نقش تعیین‌کننده‌ای در ترمیم و رشد روابط بین

پژوهش زوجینی که تمایز یافتگی کمتری دارند، انعطاف‌پذیری کمتری دارند، احتمالاً در برابر اضطراب مزمن زناشویی آسیب‌پذیرترند و توانایی استفاده از راه‌حل منطقی در رفع مشکلات زندگی را ندارند. هر چه زوجین از میزان دشواری در تنظیم هیجانی بیشتر و تمایز یافتگی خود کمتری برخوردار باشند بیشتر مستعد عدم صمیمیت و نزدیکی و نهایتاً نارضایتی و تعارضات زناشویی هستند (۲۵).

در تبیین اهمیت خود تمایز یافتگی از دیدگاه روابط اُبژه و بینکات معتقد هست منبای رشد سالم پیش روی ایگو کودک از وابستگی مطلق (به مادر) به‌سوی وابستگی نسبی و استقلال است. وینیکات معتقد است اگر مادر نتواند خود را با نیازهای کودک هماهنگ کند و محیط ناکامی یا ارضای افراطی فراهم سازد، کودک قادر نخواهد بود که رابطه بین خود و مادر را درونی کند و به استقلال و فردیت تمایز یافته‌ای برسد. این کودکان در بزرگسالی یا به دنبال اُبژه‌هایی هستند که بتوانند از طریق آن‌ها دلبستگی که از آن محروم شده‌اند را دوباره بدست آورند و شخصیت‌های وابسته‌ای را شکل (۶۱) که می‌تواند در بزرگسالی و رابطه زناشویی منجر به وابستگی‌های بیمارگونه، از خود بیگانگی و رفتارهای مازوخیستیک شود، یا این کودکان آن قدر احساس ناکامی و طردشدگی داشته باشند که نتوانند به راحتی روابط مورد اعتماد و باثباتی را در بزرگسالی شکل دهند و ترس از صمیمیت، نزدیکی و وابستگی داشته باشند (۶۲). بر این اساس می‌توان استنباط کرد زوجینی که میزان خود تمایز یافتگی کمتری داشته باشند احتمالاً به میزان زیادی تمایل به ایجاد روابط زناشویی وابسته‌ای خواهند بود که بجای اینکه رابطه صمیمانه و مبتنی بر دلبستگی باشد مبتنی بر چسبیدن و اضطراب جدایی خواهند داشت که می‌تواند پس از مدتی برای زوج دیگر خسته‌کننده و عصبانی‌کننده باشد و در این صورت رابطه‌ای مازوخیستیک یا خودآزاری ممکن است شکل بگیرد. در مورد اهمیت خود تمایز یافتگی در میزان صمیمیت و تجربه روابط نزدیک زناشویی یافته‌های پژوهشی نشان داده است که در جامعه ایران دخلت خانواده‌ها و اطرافیان به‌عنوان نشانه‌ای از عدم خود تمایز یافتگی از خانواده در مواردی به‌عنوان اولین عامل در میزان طلاق (۶۳) و در پژوهش‌های دیگری به‌عنوان یکی از عوامل اصلی طلاق شناخته شده است (۶۴). با توجه به نتایج پژوهش نقش میانجی‌گری تنظیم شناختی منفی هیجان در رابطه کیفیت روابط اُبژه با تجربه روابط نزدیک تأیید شد ولی

آموزش و حل مسئله بودند تا مبتنی بر پویایی‌های درون روانی که در درمان‌های روانکاوانه به آن توجه می‌شود (۲۸). پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های بعدی به رابطه تنظیم شناختی مثبت با کیفیت روابط اُبژه و تجربه روابط نزدیک زوجین و سایر متغیرهای این پژوهش مورد توجه بیشتر پژوهشگران قرار بگیرد. این پژوهش دارای محدودیت‌هایی نیز هست. از جمله می‌توان به محدود شدن نمونه افراد متأهل مراجعه‌کننده به کلینیک‌های شهر مشهد اشاره کرد. همچنین، در این پژوهش جهت‌گیری‌های جنسی و سنی انجام نگرفت؛ بنابراین در تعمیم شرایط نتایج آن به سایر گروه‌های سنی جامعه باید دقت شود. از نظر کاربرد نتایج به اهمیت استفاده از پرسشنامه‌های کیفیت روابط اُبژه، خود تمایز یافتگی و تنظیم هیجان در مشاوره‌های پیش از دواج و همچنین جلسات زوج درمانی با توجه به نتایج پژوهش می‌توان تاکید کرد. همچنین طراحی مداخلات بین نسلی از جمله خانواده درمانی هر یک از زوجین در کنار جلسات زوج درمانی آن‌ها می‌تواند در رسیدن به خودتمایز یافته‌تر پیشنهاد شود.

تقدیر و تشکر

در پایان از همه اساتید و همکاران و بخصوص شرکت‌کنندگان پژوهش که سخاوتمندانه و صبورانه یاری‌گر ما در انجام این پژوهش بودند صمیمانه کمال تشکر و قدردانی را داریم.

فردی دارند (۶۸) که نتیجه رابطه اُبژه‌ای با کیفیت می‌باشند. از این نظر هر چه قدر که کودک از محیط تسهیل‌گر بهتری برخوردار باشد که در آن انعکاس و پاسخ‌دهی به کودک در حد بهینه و به‌طور همدلانه‌ای بر آورده شود کودک از نظر تنظیم هیجانات از سوپر ایگوی سالم‌تری که بواسطه‌ی آن خود را در رابطه با دیگران ارزیابی می‌کند برخوردار خواهد شد که می‌تواند به فرد کمک کند که ارزیابی‌ها و اسنادهای درونی واقع‌بینانه‌تری در رشد و تکامل روابط شان داشته باشد. لذا والدینی که به نیازهای کودکشان به‌طور هم‌کوک و بهینه‌ای پاسخ می‌دهند روابط اُبژه‌ای با ثبات و اطمینان‌بخشی را شکل می‌دهند که در روابط بزرگ‌سالی و زناشویی بعدی فرزندان موثر است (۶۹). انتظار می‌رود و می‌توان استنباط کرد که راهبردهای ناسازگار تنظیم هیجان با توجه به ماهیت اساسی آن‌ها در ساختارهای درون روانی همچون سوپر ایگو با کیفیت روابط اُبژه ارتباط مستقیم داشته باشند. از آنجا که راهبردهای سازگار تنظیم هیجان همچون تمرکز مجدد مثبت، ارزیابی مجدد مثبت، اتخاذ دیدگاه، برنامه‌ریزی به نظر می‌رسد بیشتر راهبردهایی اکتسابی و آموزشی باشند تا مولفه‌های اساسی سازه‌های روان که شاید به‌همین خاطر باشد که به میزان کمتری در این پژوهش تحت‌تاثیر روابط اُبژه بودند و لذا نقش میانجی معنی‌داری نداشتند، این نتیجه بیشتر هم‌راستا با پژوهش‌هایی بود که مداخلات آن‌ها بیشتر بر اساس درمان‌های کوتاه‌مدت و مبتنی بر

References

1. Fallahzadeh H, HashemiGashnigani R, Sadeghi M, Mirzaei M. Comparison of the relationship with the object and perception of the father in divorce and non-divorce applicants. *Clinical Psychology Research and Counseling*. 2015;6(1):44-59. [In Persian].
2. Labrecque LT, Whisman MA. Extramarital sex and marital dissolution: Does identity of the extramarital partner matter? *Family process*. 2020;59(3):1308-18.
3. SadeghiFard M, Samavi A, Mohebbi S. The Relationship Between Problem-Solving Skills And Conflict Resolution Styles With Marital Intimacy And Compatibility Among Couples. *Academic journal of psychological studies*. 2016;5(1):20-32. [In Persian].
4. Nurhayati S, Faturochman F, Helmi A. Marital quality: A conceptual review. *Buletin Psikologi*. 2019;27(2):109-24. [In Persian].
5. Lee J-Y, Kim J-S, Kim S-S, Jeong J-K, Yoon S-J, Kim S-J, et al. Relationship between health behaviors and marital adjustment and marital intimacy in multicultural family female immigrants. *Korean journal of family medicine*. 2019;40(1):31.
6. Mansouri Z, Bagheri F, Dortaj F, Abolmaali K. Providing a structural model for predicting marital intimacy based on attachment styles mediated by the component of love commitment in married students. *Journal of psychologicalscience*. 2020;19(85):81-90. [In Persian].
7. Aqaei A, Mousavi S. The Relationship Between Attachment Styles with Self-differentiation, Cognitive Flexibility and Marital Intimacy in Students. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal (RRJ)*. 2020;9(2):109-16. [In Persian].

8. Mahmoudpour A, Dehghanpour S, Yoosefi N, Ejade S. Quarterly Social Psychology Research. 2020. Predicting Women's Marital Intimacy Based on Mindfulness, Conflict Resolution Patterns, Perceived Social Support, and Social Well-being;10(39):102-83. [In Persian].
9. AmiriMajd M, Kakavand S. The Relationship between Child Abuse and Violence and Marital Intimacy in Incompatible Couples. Journal of Social Work. 2017;7(1):29-36. [In Persian].
10. Józefik B, Pilecki M. Perception of autonomy and intimacy in families of origin of patients with eating disorders with depressed patients and healthy controls: a transgenerational perspective: Part I. Archives of Psychiatry and Psychotherapy. 2010;12(4).
11. Lee H-S, Ok S-W. Family of Origin Influences on Anxiety, Open Communication, and Relationship Satisfaction-A Test of Bowenian theory of Anxiety as a Mediator in the Intergenerational Transmission. International Journal of Human Ecology. 2002;3(1):111-26.
12. Zahra Kar K, Jafari F. Family Counselling (Concept, History, Process & Theories). Tehran: Arassbaran; 2015. [In Persian].
13. Farshad S, Najarpourian S, Samavi S. The Prediction of Marital Satisfaction Through Attachment Styles and Love Story. Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences. 2018;12(4). [In Persian].
14. Jamil L, AtefVahid M, Dehghani M, Habibi M. Mental health from the perspective of psychoanalysis: the relationship between ego empowerment, defense styles and object relationships with health. Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology. 2015;2(21):144-54. [In Persian].
15. Graziano V, Trogal K. The politics of collective repair: Examining object-relations in a postwork society. Cultural Studies. 2017;31(5):634-58.
16. Scharff DE, Scharff JS. Object relations family therapy: Jason Aronson, Incorporated; 1977.
17. Hewison D, Scharff DE, Scharff JS. Psychoanalytic Couple Therapy: Foundations of Theory and Practice: Karnac Books; 2014.
18. Glick I, Rait D, Heru A, Ascher M. Couples and family therapy in clinical practice 2016 [Available from: <http://search.ebscohost.com/login.aspx?direct=true&scope=site&db=nlebk&db=nlabk&AN=10824>].
19. Gurman AS, Lebow JL, Snyder DK. Clinical handbook of couple therapy: Guilford Publications; 2015.
20. Parmaksız İ, Kılıçarslan S. The relationship between assertiveness and separation-individuation in adolescents. Pegem Journal of Education and Instruction. 2020;10(3):869-88.
21. Mayer A. The development of our sense of self as a defense against invading thoughts: From Buddhist psychology to psychoanalysis. New Ideas in Psychology. 2020;58:100775.
22. Nichols M, Davis S. Family therapy: Concepts and methods. Hoboken. NJ: Pearson Education; 2017.
23. Pezard L, Doba K, Lesne A, Nandrino J-L. Quantifying the dynamics of emotional expressions in family therapy of patients with anorexia nervosa. Psychiatry Research. 2017;253:49-57.
24. Willis K, Miller RB, Yorgason J, Dyer J. Was bowen correct? The relationship between differentiation and triangulation. Contemporary Family Therapy. 2021;43(1):1-11.
25. Bahram A, Rabiei M, Donyavi V, Nikfarjam M. Comparison between emotion regulation strategies and life styles of couples with or without marital satisfaction in Sardasht. 2014. [In Persian].
26. Vaziri N, NejadMohammadNamaghi A. Predicting marital conflicts based on early maladaptive schemas, difficulty in emotionally adjusting and differentiating oneself in couples. 2020. [In Persian].
27. Damankeshan A, Sheikholeslami R. Emotional regulation and marital satisfaction: the mediating role of anger rumination. Quarterly Journal of Women and Society. 2019;10(38):1-18. [In Persian].
28. Manafi S, Khosravi Z, Dehshiri G. The relationship between friendship quality, affective style and obsessive-compulsive, avoidant and dependent personality disorder symptoms. Clinical Psychology and Personality. 2020;16(2):131-9. [In Persian].

29. JafariNadoushan A, Zare H, Henzai A, Poursalehi N, Zeini M. The Study and Comparison of Mental Health and Adjustment and Emotional Setting of Divorce Women with Married Women in Yazd. *Journal of Women and Society*. 2016;6(2):1-16. [In Persian].
30. Kirwan M, Pickett SM, Jarrett NL. Emotion regulation as a moderator between anxiety symptoms and insomnia symptom severity. *Psychiatry research*. 2017;254:40-7.
31. Karreman A, Laceulle OM, Hanser WE, Vingerhoets AJ. Effects of emotion regulation strategies on music-elicited emotions: An experimental study explaining individual differences. *Personality and individual differences*. 2017;114:36-41.
32. Maneta E, Cohen S, Schulz M, Waldinger R. Linkages between childhood emotional abuse and marital satisfaction: The mediating role of empathic accuracy for hostile emotions. *Child abuse & neglect*. 2015;44:8-17.
33. Azizi A. Regulation of emotional, marital satisfaction and marital lifestyle of fertile and infertile. *Rev Eur Stud*. 2018;10:14. [In Persian].
34. Heydari A, Iqbal F. difficult relationship in emotional regulation, attachment styles and intimacy with marital satisfaction in steel industry couples in Ahvaz. *New findings in psychology*. 2009;15(5):115-34. [In Persian].
35. Omidi A, Talighi E. Prediction couple's marital satisfaction based on emotion regulation. *International Journal of Educational and Psychological Researches*. 2017;3(3):157. [In Persian].
36. Tabatabaipour B, Khosropour F, Zenoozian S. Structural Equation Modeling of the Relationship between Object Relations in Cluster B Personality Disorders with the Mediating Role of Cognitive Emotion Regulation. *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*. 2019;3(4):101-10. [In Persian].
37. Kline RB. *Principles and practice of structural equation modeling*: Guilford publications; 2015.
38. Hooman H. *Structural equation modeling using LISREL software*. Tehran: Samt Publication; 2005.
39. Bell MD. *Bell Object Relations and Reality Testing Inventory: BORRTI*: Western Psychological Services; 2007.
40. Bell M, Billington R, Becker B. A scale for the assessment of object relations: Reliability, validity, and factorial invariance. *Journal of Clinical Psychology*. 1986;42(5):733-41.
41. Nikfallah R, Golshani F. Comparison of object relationships, schema modes, and childhood trauma in individuals with borderline and obsessive-compulsive personality disorders symptoms. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal (RRJ)*. 2021;10(2):125-38. [In Persian].
42. Garnefski N, Kraaij V, Spinhoven P. Negative life events, cognitive emotion regulation and emotional problems. *Personality and Individual differences*. 2001;30(8):1311-27.
43. Cunningham ML, Griffiths S, Baillie A, Murray SB. Emotion dysregulation moderates the link between perfectionism and dysmorphic appearance concern. *Psychology of Men & Masculinity*. 2018;19(1):59.
44. Besharat M. *Cognitive Emotion Regulation Questionnaire: Execution and Scoring Method*. *Ransformational Psychology (Iranian Psychologists)*. 2014;50:221-3. [In Persian].
45. Monirpour N, Mirzahosseini H. The Association of Couples' Feeling of Happiness with Differentiation of Self (DoS) and Early Object Relations with the Mediating Role of Religious Marital Satisfaction. 2021. [In Persian].
46. Skowron EA, Friedlander ML. The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *Journal of counseling psychology*. 1998;45(3):235.
47. Najaflui F. The role of self-differentiation in marital relationships. *Journal of New thoughts on Education*. 2006;2(3):27-37. [In Persian].
48. Salehi H, Moradi O. Designing a Sexual Satisfaction Predictive Model Based on Sexual Schemes and self-Differentiation in Couples. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing (IJPN) Original Article*. 2020;8(1). [In Persian].
49. Brennan KA, Clark CL, Shaver PR. Self-report measurement of adult attachment: An integrative overview. 1998.

50. Seyedi M, Fallah S, Tafti A, Sadeghi M, Rezaei K. The role of attachment style and marital adjustment in family stubbornness. *Nasim Health Quarterly Sari Azad University*. 2013;2(1). [In Persian].
51. Godbout N, Sabourin S, Lussier Y. Child sexual abuse and adult romantic adjustment: Comparison of single- and multiple-indicator measures. *Journal of Interpersonal Violence*. 2009;24(4):693-705.
52. Tenenhaus M, Vinzi VE, Chatelin Y-M, Lauro C. PLS path modeling. *Computational statistics & data analysis*. 2005;48(1):159-205.
53. Davari A, Rezazadeh A. *Structural equation modeling with PLS software*. Tehran: Jahad-Daneshgahi Publications Organization; 2013. [In Persian].
54. Rashidi A, Sharifi K, Naghshineh T. The relationship between family communication patterns and self-differentiation with quality of life of women divorce applicant in Kermanshah. *Journal of Family Pathology, Counseling & Enrichment*. 2016;2(1):66-78. [In Persian].
55. Hooper LM, DePuy V. Mediating and moderating effects of differentiation of self on depression symptomatology in a rural community sample. *The Family Journal*. 2010;18(4):358-68.
56. Drake JR. *Differentiation of self inventory-short form: creation and initial evidence of construct validity*: University of Missouri-Kansas City; 2011.
57. Erkan I, Şerife Ö, Maria L, Schweer-Collins, Rodríguez-González M. Differentiation of Self Predicts Life Satisfaction through Marital Adjustment. *The American Journal of Family Therapy*. 2013;48(3):235-49.
58. Mohammadi M, Alibakhshi Z, Sedighi M. The effect of Self-differentiation Training Based on Bowen Theory on Women's Self-differentiation and Marital Satisfaction. *Journal of Midwifery and Reproductive Health*. 2019;7(4):1914-21. [In Persian].
59. Mozas-Alonso M, Oliver J, Berástegui A. Differentiation of self and its relationship with marital satisfaction and parenting styles in a Spanish sample of adolescents' parents. *PLoS ONE*. 2022;17(3):e0265436.
60. İnce Ş, Işık E. The mediating role of five love languages between differentiation of self and marital satisfaction. *The American Journal of Family Therapy*. 2022;50(4):407-23.
61. McBride S. 'Hopelessly devoted to you': An examination of Winnicott's concept of primary maternal preoccupation in the identity and practice of male group analysts. *Group Analysis*. 2018;51(2):144-58.
62. Rakipi S. *Parenting styles: Their impact on adolescent separation and college adjustment*: Capella University; 2015.
63. Hosseini E, Rezapour M, Saatloo M. Investigating the effective factors on increasing the divorce rate (How to cite this article): Case study: Divorced couples in Sarpol-e Zahab city of Kermanshah province. *Quarterly Journal of Social Work*. 2015;4(2):33-41. [In Persian].
64. Rezvani H, Saemi H. Correlation between Self-differentiation and Neuroticism with Emotional Divorce in married Students of Azad Shahr Azad University. *Journal of Health Promotion Management (JHPM)*. 2019;8(2):23-30. [In Persian].
65. Nalborczyk L, Perrone-Bertolotti M, Baeyens C, Grandchamp R, Polosan M, Spinelli E, et al. Orofacial electromyographic correlates of induced verbal rumination. *Biological Psychology*. 2017;127:53-63.
66. Kolubinski DC, Nikčević AV, Lawrence JA, Spada MM. The metacognitions about self-critical rumination questionnaire. *Journal of affective disorders*. 2017;220:129-38.
67. Martin A, Marsh H. Academic resilience and academic buoyancy: Multidimensional and hierarchical conceptual framing of causes, correlates and cognate constructs. *Oxford Review of Education*. 2009;35(3):353-70.
68. Bergman RL, Jacobs D, Allison MR, Announcing A, Party BR. *Mindless Psychoanalysis, Selfless Self Psychology and Further Explorations*. Seattle: The Alliance Press; 2008.
69. Bitarafan M. *Investigating the relationship between parental attachment and suicidal ideation: The mediating role of feelings of shame, guilt, and separation-isolation*. Tehran: Shahid Beheshti University of Medical Sciences; 2019. [In Persian].